



شاخص ترین صفات کارگزاران

در
حکومت اسلامی

عبد الکریم پاک نیا

هشتم شهریور یاد آور خاطره‌ای دردناک اما عبرت‌آمیز برای ملت مسلمان ایران است. در این حادثه تلخ، رئیس جمهوری اسلامی ایران، آقای محمد علی رجائی به همراه نخست وزیر با کفایتش حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد باهنر در آتش قهر دشمنان اسلام و انقلاب سوختند.

آن دو شهید، در مقطعی حساس و کوتاه به زیباترین شکل درخشیدند و الگویی کم نظیر برای نسل آینده در حکومت اسلامی و حجتی نمونه برای کارگزاران دولت اسلامی گشتند. زندگی و شهادت آن دو شهید بزرگوار می‌تواند درسی برای دولتمردان امروزی و اسوه و الگویی برای حاکمان آینده نظام اسلامی باشد.

آن دو عاشق صادق فقط به اهداف عالی حکومت اسلامی اندیشیدند و قدمی به نفع خود برنداشتند و در راه استقرار حکومت اسلامی از تمام هستی خود گذشته و خود را فدای اعتلای «کلمه الله» کردند و خداوند متعال نیز پاداش آنان را با اعطای مدال شهادت به نحو شایسته‌ای عطا فرمود

و آنان را به درجه ابرار رسانید.
در مسلخ عشق جز نکو را نشکند
روبه صفتان زشت خود را نکشند
گر عاشق صادقی ز مردن نه‌راس
مردار بود هر آنکه او را نکشند
حضرت امام خمینی علیه السلام در مورد آنان فرمود: «آقای رجایی و آقای باهنر هر دو شهیدی هستند که با هم در جبهه‌های نبرد با قدرت‌های فاسد همچنگ و هم‌رمز بودند. و مرحوم شهید رجایی به من گفتند که من بیست سال است که با آقای باهنر همراه بودم و خداوند خواست که با هم از دنیا هجرت کنند و به سوی او هجرت کنند.»^۱

تقدیر الهی چنین بود که آن دو رادمرد الهی و دو کارگزار امین حکومت اسلامی که هر دو در یک سال (۱۳۱۲) متولد شده بودند، با هم به شهادت برسند. آنان در هشتم شهریور سال ۱۳۶۰ در یک توطئه خائنانه در حادثه انفجار دفتر نخست وزیری به قافله شهدای اسلام ملحق شدند.
دولت کوتاه مدت شهیدان رجایی

۱ - صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۳۵.

و باهنر در تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی ایران نمونه عینی و عملی از یک دولت اسلامی و مکتبی به حساب می‌آید و این حقیقتی است که نه در سخن بلکه در عمل و رفتار آن شهیدان به زیباترین شکل تبلور یافت.

در این فرصت، به مناسبت هفته دولت و شهادت آن دو شهید بزرگوار، مروری کوتاه بر شاخص‌ترین صفات دولتمردان در حکومت اسلامی خواهیم داشت، به این امید که دلسوزان اسلام و حکومت اسلامی و همچنین کارگزاران دولت اسلامی خود را با این شرایط، که برگرفته از معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است هماهنگ ساخته، موجبات خشنودی پروردگار و حضرت ولی عصر علیه‌السلام و مردم مسلمانان کشورمان را فراهم آورند.

صفات کارگزاران دولت اسلامی

کسانی که در مسؤولیت‌ها و پست‌های حکومت اسلامی وارد می‌شوند باید دارای صفاتی باشند که در کلام وحی و معارف ائمه علیهم‌السلام بر آن تأکید شده است. در این جا به برخی از این صفات اشاره می‌شود.

۱- شایستگی و لیاقت

کارگزار دولت اسلامی شایسته‌ترین فرد از میان سایر افراد برای انجام کاری است که بر آن گمارده شده است؛ زیرا پست‌ها در حکومت اسلامی امانت است و باید امانت‌ها را به اهل آن سپرد. خداوند متعال می‌فرماید: **«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»**؛ «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به اهله‌ش بسپارید.» در دولت اسلامی نباید پست‌ها بر اساس روابط فامیلی، حزبی و غیره تقسیم شود، بلکه مسؤولیت‌ها باید بر اساس شایستگی و لیاقت و کاردانی افراد باشد.

اگر رئیس دولت اسلامی فردی را به یکی از پست‌های حساس جامعه اسلامی منصوب کند در حالی که فردی شایسته‌تر از او وجود داشته باشد، به خدا و رسول او و افراد جامعه خیانت کرده است. پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: **«مَنْ تَوَلَّىٰ مِنْ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا فَاسْتَعْمَلَ عَلَيْهِمْ رَجُلًا وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ وَأَعْلَمُ مِنْهُ بِكِتَابِ اللَّهِ وَوَسْتُو**

مقام به او هشدار می‌دهد. آن حضرت در نامه خویش که پس از جنگ جمل و در شعبان سال ۳۶ هـ در کوفه نوشته است، خطاب به اشعث و تمام دولتمردان اسلامی می‌فرماید: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَآنتَ مُسْتَرَعَى لِمَنْ نَفَقَكَ؟^۱ مطمئناً ریاستی که به تو سپرده شده برای تو لقمه‌ای چرب نیست، بلکه بار امانتی در گردن توست که [در پاسداری از آن] باید مافوق خویش را پاسخگو باشی.»

البته همان طور که کارگزاران با ایمان باید به منصب دولتی به دیده ودیعه الهی بنگرند و نهایت امانتداری را در آن مبذول دارند، انتخاب‌کنندگان این افراد (اعم از مردم و مسؤولین بالاتر) نیز باید توجه داشته باشند که چه کسانی را امین قرار می‌دهند. چرا که در صورت بی‌دقتی، ممکن است از امانت‌های واگذار شده سوء استفاده شود و بخش اعظم مسؤولیت این خیانت بر عهده انتخاب‌کنندگان خواهد بود.

رَسُولِهِ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ^۱؛ هر کس از امور مسلمانان مسؤولیتی را بر عهده بگیرد و سپس فردی را بر آنان به کار گمارد که می‌داند شایسته‌تر از او به این کار و دانای‌تر از او به کتاب خدا و سنت پیامبر [برای تصدی این مقام] در جامعه وجود دارد [و با این حال فرد غیر شایسته را انتخاب کند] به خدا و رسول او و به تمام مؤمنان خیانت کرده است.»

۲- امانتداری

منصب‌ها و مقام‌های دولتی نوعی امانت است که در اختیار کارگزاران نظام اسلامی قرار می‌گیرد. دولتمردان امین به سمت‌های خود به عنوان یک ودیعه الهی نگریسته و هرگز در فکر خیانت در امانت و استفاده‌های شخصی و گروهی از آن نمی‌افتند. آنان می‌دانند که روزی باید این امانت‌ها را به دیگران بسپارند و در مقابل عملکرد خود پیش خداوند و مردم مسلمان پاسخگو باشند.

امیر مؤمنان علیه السلام به اشعث بن قیس که فرماندار آن حضرت در آذربایجان بود، نامه‌ای نوشته و در مورد بهره برداری ناروا از بیت المال و پست و

۱- بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۷۰۵؛ سنن بیهقی، ج ۱۰، ص ۱۱۸؛ مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۱۱.
۲- صبحی صالح، نهج البلاغه، نامه ۵.

۳- مسؤولیت‌شناسی در مقابل

مشکلات مردم

دولتمردان اسلامی خود را در مقابل مشکلات تک تک افراد جامعه مسؤول می‌دانند و برای رفع مشکلات مؤمنین حساسیت خاصی دارند. آنان با احساس گرفتاری برای یکی از مؤمنین، خواب راحت نخواهند داشت تا مشکل برادر ایمانی خود را حل کنند.

کارگزار با ایمان در دولت اسلامی همیشه این نوای ملکوتی پیشوای ششم علیه السلام را با گوش جان می‌شنود و به آن عمل می‌کند: «أَيُّهَا مُؤْمِنُ نَفْسٍ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةٌ وَهُوَ مُغْسِرٌ، يَسِّرُ اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، قَالَ: وَمَنْ سَتَرَ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ عَوْرَةً يَخَافُهَا سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ عَوْرَةً مِنَ عَوْرَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. قَالَ: وَاللَّهِ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ. فَاتَّقِعُوا بِالسَّيْطَةِ وَازْعَبُوا فِي السَّخِيرِ!؛ هر کس گرفتاری مؤمنی را که در سختی افتاده رفع کند، خدا حوائج دنیا و آخرتش را آسان کند و هر که عیب مؤمنی را که از آن می‌ترسد بپوشاند، خدا ۷۰ عیب دنیوی و اخروی وی را بپوشاند، و تا زمانی که مؤمن در حال کمک کردن به

برادرش باشد، خدا در حال کمک کردن به اوست. از موعظه سود ببرید و در کار خیر رغبت کنید.»

وزیر و وظیفه شناس

علی بن یقظین علاقه‌ای به پست وزارت نداشت و بارها خواسته بود از سمت خود کناره‌گیری کند، اما امام هفتم علیه السلام به او اجازه نداد و فرموده بود: تو در مقام وزارت باش و استعفا نده؛ زیرا ممکن است دل‌های شکسته‌ای را جبران کنی و گرهی از کارهای شیعیان ما باز کنی. آن حضرت به علی بن یقظین فرمود: «يَا عَلِيُّ! كَفَّارَةٌ أَغْمَالِكُمْ بِالْإِحْسَانِ إِلَى إِخْوَانِكُمْ؟؛ ای علی! احسان و نیکی به برادران کفار به اعمال بد شما خواهد بود.»

روزی یکی از شیعیان کوفی به نام ابراهیم جمال به خاطر یک گرفتاری از کوفه به بغداد رفت، و هر چه تلاش کرد با وزیر دیدار کند موفق نشد. ابراهیم با اینکه چند روز در بغداد توقف کرد اجازه ملاقات با علی بن یقظین برایش حاصل نشد و هر بار که

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۸۶، باب تفریح کرب المؤمن، ح ۵.

۲- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۳۶.

لحنی ملتسمانه چنین گفت: ای ابراهیم! در را باز کن، من علی بن یقظین نخست وزیر حکومت وقت هستم.

ابراهیم جمال که از شنیدن این سخن یکه‌ای خورده و کاملاً شگفت زده شده بود با خود گفت: علی بن یقظین! وزیر حکومت! با من چه کار دارد؟ برای چه در این تاریکی شب و تنهایی به منزل من آمده است!؟

علی گفت: ابراهیم! اجازه بده من به خانه تو بیایم.

در باز شد و علی بن یقظین بعد از ورود گفت: ابراهیم! من خطای بزرگی مرتکب شده‌ام. مولایم بخشش خطایم را به رضایت تو موکول کرده است. ابراهیم گفت: خداوند از خطاهایت در گذرد و تو را ببخشد.

علی بن یقظین گفت: این چنین نمی‌شود، من یک طرف صورتم را روی خاک می‌گذارم و از تو خواهش می‌کنم پای خود را در طرف دیگر صورتم بگذاری و مرا حلال کنی! ابراهیم که از حرکات و سخنان علی کاملاً مبهوت شده بود، خواست گفته وی را قبول نکند. اما با التماس وزیر،

رجوع می‌کرد، نگهبانان او را برای ملاقات با وزیر راه نمی‌دادند، تا اینکه با دلی شکسته و با یأس و ناامیدی به کوفه برگشت. پس از مدتی علی بن یقظین به مکه مشرف شد و در ضمن سفر، اراده کرد در مدینه به محضر امام کاظم علیه السلام مشرف شود، اما او را به خانه امام هفتم علیه السلام راه ندادند و هر چه تلاش کرد اجازه ملاقات نیافت. روزی بر سر راه امام علیه السلام نشست و آن حضرت را هنگام رفتن به مسجد ملاقات کرده و با چشمانی اشکبار عرضه داشت: ای مولای من! چه خطایی از من سر زده که مرا به حضور نمی‌پذیرید؟! حضرت فرمود: ما تو را راه ندادیم زیرا تو برادر دینی‌ات، ابراهیم جمال را پشت در گذاشتی و او را به حضورت راه ندادی. خداوند متعال حج تو را نمی‌پذیرد مگر اینکه ابراهیم جمال از تو راضی شود و تو دل شکسته او را به دست آوری.

علی بن یقظین با سریع‌ترین وسیله‌ای که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از طریق اعجاز در اختیار او نهاد، خود را به منزل فقیرانه ابراهیم جمال در کوفه رسانید و از پشت در با

**اگر رئیس دولت اسلامی
فردی را به یکی از
پست‌های حساس جامعه
اسلامی منصوب کند در
حالی که فردی شایسته‌تر
از او وجود داشته باشد، به
خدا و رسول او و افراد
جامعه خیانت کرده است.**

۲- ساده زیستی و پرهیز از ثروت
اندوژی

ساده زیستی، یکی دیگر از
ویژگی‌های دولتمردان اسلامی است.
علی علیه السلام کامل‌ترین الگوی
دولتمردان اسلامی خطاب به عثمان بن
حنیف یکی از استانداران خطا کار
خود، که از شیوه ساده زیستی روی
گردان و به دنیاگرایی و زندگی
تجملاتی دل بسته و با ثروتمندان و

این منظور عملی شد و علی بن یقظین
با نهایت خضوع و تواضع در حالی که
یک طرف صورتش بر زمین و طرف
دیگرش به زیر پای ابراهیم بود
می‌گفت: «اللَّهُمَّ أَشْهَدُ؛ خدایا تو شاهد
باش.»

آن گاه همان شب با همان وسیله
در مدینه با کمال شادمانی به حضور
امام هفتم علیه السلام رسید و حضرت او را با
کمال میل به حضور پذیرفت.^۱

دولتمرد وظیفه شناس، در مقابل
مردم احساس مسؤولیت کرده، هیچ
گاه در برابر مشکلات و رفتاری‌های
آنان شانه از زیر بار مسؤولیت خالی
نمی‌کند و به تمام مردم مسلمان همانند
خود و خانواده خود می‌نگرد.

در حالات نخست وزیر شهید
جمهوری اسلامی ایران دکتر محمد
جواد باهنر آمده است: روزی که ایشان
وزیر آموزش و پرورش شده بود، به
ایشان تبریک گفته شد و او در جواب
اظهار داشت: «من حالا احساس
می‌کنم دیگر چهار فرزند ندارم، بلکه
۱۰ میلیون فرزند دارم که در برابر هر
یک از آن‌ها احساس مسؤولیت
سنگینی می‌کنم.»^۲

۱- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۸۵؛ سفینه البحار،
ج ۲، ص ۲۵۲.

۲- جمهوری اسلامی، ۱۱/۶/۱۳۶۱.

بِطَمْرَنِيهِ وَمِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيهِ. أَلَا وَاتَّكُم
لَا تَقْلُورُونَ عَلَيَّ ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعْبُونِي بِتَوَرِّعٍ
وَاجْتِهَادٍ وَعَقْفَةٍ وَسَدَادٍ! آگاه باش! هر
پیروی را امامی است که از او پیروی
می‌کند و از نور دانش او روشنی
می‌گیرد. آگاه باش! امام شما از دنیای
خود به دو قرص فرسوده و از غذایش
به دو قرص نان رضایت داده است.
البته شما توانایی چنین کاری را
ندارید، اما با پرهیزکاری و تلاش
فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری
دهید.»

آری، کارگزاران دولت اسلامی
توانایی و تحمل زندگی علی‌گونه را
ندارند و نمی‌توانند هم سطح با آن
بزرگوار زندگی کنند، اما طبق فرمایش
آن حضرت می‌توانند در پاکدامنی و
ساده زیستی، خود را به آن گرامی
نزدیک کنند.

در خاطرات رئیس جمهور شهید،
محمد علی رجائی نمونه‌های فراوانی
در این زمینه نقل شده است که فقط به
دو مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) یکی از کسانی که در دوران

مرفهین بی درد همنشین شده بود،
می‌فرماید: «يَا بَنِي حَنْظَلَةَ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا
مِنْ فِئْتِيهِ أَهْلَ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْدِبَةٍ،
فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا تَسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ، وَتُنْقَلُ
إِلَيْكَ الْجِفَانُ وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ
قَوْمٍ عَابُؤْهُمْ مَجْفُوقٍ وَعَبِيْهُمْ مَذْعُوقٍ.»

فَأَنْظُرْ إِلَى مَا تَقْصَمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْصَمِ،
فَمَا الشُّبْبَةَ عَلَيْكَ عَلِمَهُ فَأَلْفِظَهُ وَمَا آيَقَنْتُ
بِطَيْبٍ وَجُوهِهِ قَتْلُ مِينَةٍ؛ ای پسر حنیف! به
من گزارش داده شده که مردی از
سرمایه داران بصره تو را به یک
مهمانی فرا خوانده و تو به سرعت به
سوی آن شتافتی. خوردنی‌های
رنگارنگ برای تو آورده می‌شود و
کاسه‌های پر از غذای در پی جلوی تو
نهاده می‌شود. گمان نمی‌کردم مهمانی
مردمی را بپذیری که نیازمندانشان ابا
ستم [محرور شده و ثروتمندانشان ابر
سر سفره] دعوت شده‌اند. پس به آنچه
از این خوردنی می‌خوری بنگر، آن چه
حلال و حرام بودنش را نمی‌دانی دور
بیفکن و آنچه را به پاکیزگی و حلال
بودنش یقین داری مصرف کن.»

امام علیه السلام در ادامه اضافه می‌کند: «أَلَا
وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ
عَلَيْهِ. أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ ائْتَمَّتْ مِنْ دُنْيَاةٍ

وزارت شهید رجایی با او همسایه بوده است می‌گوید: یک روز صبح که برای خرید نان به سنگگی محل رفته بودم، با کمال تعجب دیدم آقای رجایی با دمپایی و یک کاسه ماست به طرف ناوایی آمد و وقتی از ایشان خواستم که زودتر از من نان بگیرد نپذیرفت و خیلی هم از این پیشنهاد ناراحت شد و در صف ایستاد تا نوبتش برسد^۱.

ب) شهید رجایی در خاطرات خود می‌گوید: یک بار که اتوبوس دو طبقه سوار شده بودم، راننده اتوبوس با شاگرد خود در مورد افزایش قیمت پیکان که به یکصد هزار تومان رسیده بود صحبت می‌کرد و می‌گفت: شنیده‌ای که قیمت پیکان صد هزار تومان شده است؟ شاگرد به او گفت: بشود یک میلیون تومان، آن موقع که قیمت سی هزار تومان بود ما نمی‌توانستیم ماشین بخریم حالا هم نمی‌توانیم، بعد نگاهی به من کرد و به راننده گفت: مثلاً این آقا را ببین چه قدر شبیه آقای رجایی است ولی حالا او کجا دارد زندگی می‌کند و با چه ماشین هایی رفت و آمد می‌کند و این بنده خدا هم آمده سوار اتوبوس دو

طبقه شده است. راننده هم حرف او را باور و تأیید کرد و کلی هم به من بد و بیراه گفت. وقتی کار به اینجا رسید، من به او گفتم: آقای راننده حالا شما از کجا می‌دانید شاید این بنده خدا هم مثل شما زندگی می‌کند و زندگی اش با شما تفاوتی نمی‌کند. راننده جواب داد: نه آقا، تو هم دلت خوش است، شما چه قدر ساده‌ای! آن‌ها زندگی ای دارند که به خیال من و تو هم نمی‌رسد، شاگرد او هم مرتب حرف راننده را تأیید می‌کرد و من نگفتم که خود رجایی هستم^۲.

امام خمینی علیه السلام در مورد ضرورت ساده زیستی مسؤولان حکومتی می‌فرماید: «وقتی بنا شد متصدی یک امور کشوری، قشر اشراف - به اصطلاح خودشان - اعیان، مرفه‌ها و صاحب اموال و - نمی‌دانم - پارک و اتومبیل‌ها و کذا و کذا، یا آن وقت کالسکه‌ها و آن حرف‌ها باشد، این یکی از مصیبت‌های بزرگی است که در یک ملت هست. مصیبت هایی که ملت‌ها

۱- جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۶/۸.

۲- همان، ۱۳۷۹/۶/۹.

آقای دکتر حداد عادل در مورد ایشان چنین می‌گوید: «آقا، یک خانه‌ای قبل از ریاست جمهوری شان در جنوب تهران داشتند، ایشان آن را اجاره داده‌اند و خرج زندگی‌شان را در می‌آورند، ایشان بابت رهبری حقوق نمی‌گیرند و از وجوهات شرعیه هم استفاده نمی‌کنند.»^۴

۵- قانون مداری

در جامعه اسلامی همه افراد از کوچک و بزرگ، رئیس و مرئوس، همه و همه در برابر قانون الهی مساویند و هیچ کس فراتر از قانون نیست. در این میان دولتمردان و تمام کارگزاران دولت اسلامی وظیفه‌ای به مراتب سنگین‌تر از دیگران دارند، زیرا، اگر مجریان قانون، خود در برابر آن خاضع نباشند از دیگران چه انتظاری می‌توان داشت؟ کارگزاران امین و دلسوز دولت اسلامی باید آن چنان به قانون حکومت خویش پای بند باشند که عواطف خویشاوندی،

می‌کشند از این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان جامعه بوده و به دنبال این هستند که ثروتشان را زیاد کنند.^۱

امام خمینی علیه السلام در فرازی دیگر از سخنانش، خطاب به دولتمردان و روحانیون صاحب منصب کشور می‌فرماید: «اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید، بدانید که دیر یا زود مطرود می‌شوید.»^۲

«شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیایید و جبهه‌تان پیش مردم بزرگ می‌شود، آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، اینکه زندگی شما ساده باشد؛ همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیر المؤمنین و ائمه ما زندگی شان ساده و عادی بود بلکه پایین‌تر از عادی.»^۳

در اینجا اشاره به زندگی ساده رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای خالی از فایده نخواهد بود. آن بزرگوار در مورد زندگی خود می‌گوید: «اگر بخواهم تمام زندگی ام را بار کنم غیر از کتاب هایم یک وانت بار می‌شود.»

۱- صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۴۳.

۲- همان، ج ۱۷، ص ۴۵۳.

۳- همان، ج ۱۹، ص ۳۱۸.

۴- کیهان، ۱۳۸۱/۴/۹، ص ۷.

دولتمرد وظیفه شناس، در مقابل مردم احساس مسؤولیت کرده، هیچ گاه در برابر مشکلات و گرفتاری های آنان شانه از زیر بار مسؤولیت خالی نمی کند و به تمام مردم مسلمان همانند خود و خانواده خود می نگرد.

روابط دوستانه و ... نتواند آنان را به تخلف از قانون وادارد و آنان را مقابل خواسته های غیر قانونی تسلیم کند.

علی علیه السلام در مورد تساوی همه افراد در برابر قانون حق می فرماید: «لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرِيٌّ عَلَيْهِ، وَلَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرِيٌّ لَهُ وَتَوَكَّأَنَّ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَلَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَ أَنْ ذَلِكْ خَالِصاً لِلَّهِ مُبْخَاةً!» [حق] به سود کسی اجرا نمی شود مگر اینکه [روزی] به زیان او نیز به کار می رود، و چون به زیان کسی اجراء شود روزی به سود او نیز جریان خواهد داشت. اگر بنا باشد حق به سود کسی اجراء شود و علیه او

اجرا نشود، این مخصوص خدای سبحان است [نه دیگر آفریده ها].»

کارگزاران دولت اسلامی هیچ گاه برای خود، فامیل و وابستگانشان در برابر قانون مصونیت قائل نمی شوند و به مسلمانان خیانت نمی کنند.

امیر مؤمنان علیه السلام با قانون شکنان برخوردی قاطع داشت و هیچ گاه اجازه نمی داد که فردی از دولتمردان و وابستگان حکومت، خود سرانه قانون را زیر پا بگذارد و به نفع خود و یا کسان دیگر عملی خلاف قانون انجام دهد. آن حضرت در نامه ای که به یکی از کارگزاران مستخلف خود نوشته است، شدیداً وی را نکوهش کرده و در فرازی از آن نامه می فرماید: «وَاللَّهِ لَكُنَّا الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَعَلَّا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ، مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَّةٌ، وَلَا ظَفِيرًا مِثِّي بِإِزَادَةٍ، حَتَّى آخَذَ الْحَقُّ مِنْهُمَا وَأَرْبَحَ السَّبَاطِلَ عَنْ مَظْلَمَتِهِمَا»^۱؛ به خدا قسم! اگر حسن و حسین چنان می کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی دیدند و به آرزو نمی رسیدند تا آن که حق را از

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۲- همان، نامه ۴۱.

مسئولین درجه یک نظام را در رسیدن به اهداف خویش بیشتر یاری خواهد کرد. اگر به این نکته مهم تربیتی توجه نشود و آلوده نژادان و پست فطرتان، به پُست‌های مهم دولتی راه یابند، ضررهای جبران‌ناپذیری رابه نظام اسلامی وارد خواهند کرد.

دومین شخص عالم امکان، علی علیه السلام به این نکته ظریف توجه خاصی داشته و در انتخاب کارگزاران حکومتی و سپردن منصب‌های دولتی به افراد، ضمن دستور العملی به مالک اشتر، سردار باکفایت خود، چنین رهنمود می‌دهد: «وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ الشَّجَرَةِ وَالْحَيَاءِ، مِنْ أَهْلِ الْبَيْتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَالْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمَتَّقِمَةِ، فَإِنَّهُمْ أَكْثَرُمُ أَخْلَاقًا، وَأَصَحُّ أَعْرَاضًا وَأَقْلُّ فِي السَّمَائِعِ إِشْرَاقًا وَأَبْلَغُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْرًا؟»^۱ کارگزاران دولتی را، از میان مردم با تجربه و با حیا، از خاندان‌های صالح (و پاکیزه و با تقوی) که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمع و ورزی شان کمتر و آینده‌نگری آنان بیشتر است.»

آنان باز ستانم و باطلی را که به ستم آنان پدید آمده، نابود سازم.»

امیر مؤمنان علیه السلام در برابر درخواست نامشروع برادرش عقیل، که از آن حضرت تقاضای مقداری گندم از بیت المال مسلمانان - به صورت غیر قانونی - داشت، میله‌ای آهنی را داغ کرده و به دست او نزدیک نمود، آن‌گاه که عقیل نزدیکی حرارت آهن را احساس کرد ناله‌اش بلند شد. امام به وی فرمود: «كَكَلَّتْكَ الشُّوَاكِيلُ، يَا عَقِيلُ! أَتَيْتَ مِنْ حَدِيدَةٍ أَخْمَأَهَا إِنْسَانُهَا لِيَلْعِبَهُ وَتَجُرَّنِي إِلَى نَارٍ سَجَرَهَا جَبَّارُهَا لِعَضِّهِ! أَتَيْتَ مِنْ الْأَذَى وَلَا أَتَيْتَ مِنْ لَطْفِي؟!»^۱ گریه‌کنندگان بر تو بگریند، ای عقیل! آیا تو از آهن پاره‌ای که آدمی آن را برای بازی خود (در یک حرکت نمایشی) سرخ کرده ناله می‌کنی و مرا به سوی آتش که خداوند قهار آن را از روی غضب خویش افروخته، می‌کشانی؟! تو از حرارت ناچیزی می‌نالی و من از حرارت آتش الهی ننالم؟!»

۶- اصالت خانوادگی

خانواده، روحیات پدر و مادر و مربیان، نقش به‌سزایی در شخصیت افراد دارد. توجه به ریشه‌ها و اصالت افراد در گزینش آنان برای کارهای دولتی،

۱- همان، خطبه ۲۲۵.

۲- همان، نامه ۵۳.